

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سخنرانی استاد عالمزاده با موضوع «نگاهی به تأمین رزق و تدبیر معیشت در پرتوی آموزه های دینی»، ۲۳ اسفند ۱۳۸۹، شب رحلت حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها)، هیئت (؟)^۱

آموزه اول: کسی هست که غم روزیت رو بخوره!

اولین موضوعی که در باب تأمین معیشت و روزی خودمون باید بهش توجه داشته باشیم، اینه که کسی هست که به فکر روزی ما باشه. خدای متعال در قرآن کریم می فرماید: «وما من دابة فی الأرض إلا علی الله رزقها»^۲، خدای متعال، متکفل و متولی روزی بندگان خودش هست. خلق کرده، باید روزی شونم بده. از پس تأمین روزی هم برمیاد، «إِنَّ اللَّهَ بِالْغُلَامِ»^۳، خدای متعال کارش رو پیش می بره و به بن بست برخورد نمی کنه. «إِنَّ اللَّهَ بِالْغُلَامِ عَلَى أَمْرِهِ»، این تعبیر در روایات هم هست، که خدا مسلط بر کار خودشه. بعد فرموده: «وفی السماء رزقکم و ما توعدون فورب السماء و الأرض إنه لحقّ مثل ما أنکم تنطقون»^۴، روزی شما رو خدای متعال در آسمان مقدر کرده. [البته] معلوم نیست منظور از آسمان، این آسمانی باشه که ما به چشم مشاهده می کنیم. آسمان پر از ستاره، پایین ترین و پست ترین مراتب آسمانه. «إِنَّا زینّا السماء الدنیا بزینة الكواكب»^۵، این ستاره ها، سیاره ها، منظومه ها، کهکشان ها و این دستگاه با عظمتی که تلسکوپ ها رصد می کنند، اینا همش متعلق به آسمان دنیاست. آسمان دنیا یعنی آسمان پست، یعنی اون نازل ترین و پست ترین و پایین ترین مرتبه آسمان ها. این که خداوند می فرماید روزی شما در آسمان است، معلوم نیست که این آسمان مد نظر باشه. حکایت های دیگه ای هم هست بالای سر این آسمان.

^۱ به گفته استاد، سال گذشته در چنین شبی، موضوعی مشابه در منزل آقای تدینی، توسط ایشان ایراد شده است.

^۲ هود، ۶

^۳ طلاق، ۳

^۴ ذاریات، ۲۲ و ۲۳

^۵ صافات، ۶

[ملاحظه] بعد [اینکه] وقتی می گن آسمان، ما عادت کردیم بالا رو نگاه کنیم؛ معلوم نیست که بالا هم این جوری باشه، ممکنه بالا هم معنای دیگری و دقیق تری داشته باشه.

به هر صورت خدای متعال، روزی ما رو در خزائن خودش داره و قسم خورده است (فورب السماء و الأرض)، به رب آسمان و زمین قسم خورده است که این روزی را برساند. بنابراین کسی هست به فکر روزی ما باشه و از این جهت ما مشکلی نداریم.

آموزه دوم: غم روزی فردا رو نخور!

از همین نکته، نکته دومی نتیجه گرفته می شه: حالا که کسی هست، کسی با این همه قدرت و عظمت و ذخائر نعمت، هست که غصه روزی ما رو بخوره، من و شما دیگه نباید غصه روزی مون رو بخوریم.

به ما گفتند نگران روزی نباشید. یعنی هیچ کس دغدغه روزی رو نداشته باشه، دلش نتپه، لرز نیفته به وجودش، آشفته احوال نشه، آرام باشه، آرام. «ولا يهَمُّنَّكَ رِزْقُ غَدٍ»^۶، اهتمام روزی فردا رو نداشته باش. یعنی این هم شما نشه، خودتون رو بهش مشغول نکنید، غصه روزی فردا رو نخورید. آرام... آرام...!

همون کسی که تا امروز روزی شما رو داده، فردا هم زنده است و تضمین هم کرده، آرام باشید.

این آرامش، یک آرامشِ تحمیلیِ بخشنامه ای نیست. شبیه توصیه های روان شناسی غربی که میگه: «آقا! شما بخندید! شاد باشید! همیشه لبخند به چهره داشته باشید!». آقا! من مشکل دارم، برا چی بخندم؟! میگه: «نه! بخند! بخند! بخند...!»

اون توصیه «بخند!» توی اون فرهنگ، مبنا و پشتوانه ای نداره؛ فقط بخند تا خوش باشی. میگه: «ز حق توفیق خدمت خواستم، دل گفت پنهانی / چه توفیقی از این برتر که خلقی را بخندانی». گمان میشه که خود این خندیدن و خنداندن، ارزشی داره. این طوری نیست.

اما این توصیه به آرامش، توصیه ای بی مبنا و بدون پشتوانه نیست، که صرفا بگه: «آقا! آرام باشید!». نخیر؛ چون پشتتون محکمه، غصه نخورید؛ چون کسی هست که غم روزی شما رو بخوره، شما دیگه غصه نخورید؛

^۶ میزان الحکمة (ط - دارالحديث)؛ ج ۵؛ باب الرزق؛ حدیث ۷۱۶۹

چون دلتون گرمه به اینکه ذخائر خدای متعال تمام نمی شود، غصه نخورید. چون خدای متعال رو با همه قدرت و عظمت و نعمتش، کارگردان هستی می دونید، غصه نخورید. این خیلی فرق می کنه با این که ما صرفاً بگیم: «آقا آرام باشید». این آرامش، پشتوانه داره. یک خنده بی معنا نیست. یک آرامش بدون معنا نیست.

سی و چند سال احتمالاً همه شما دوستان، از خدای متعال عمر گرفتید، یک شب شده گرسنه بخوابید؟! احتمالاً یا اتفاق نیفتاده یا اینقدر کمه که اصلاً [به حساب نمیاد]. خب اون خدایی که در طول این مدت، روزی ما رو داده، از این به بعد هم زنده است و بر اساس همون قواعد و قوانینی که تا کنون عمل کرده، بعد از این هم عمل خواهد کرد.

بنابراین هیچ غصه نخورید. مهم ترین توصیه در باب روزی اینه که غم روزی فردا رو نخورید. آرام آرام آرام باشید. آرام آرام آرام! آگه یه موقع جیتون خالی شد و اضطراب افتاد تو دلتون که: «خب مثلاً چی میشه؟ فردا چی کار کنم؟»، اینجا بفهمید که یه مقدار ایمان عیب پیدا کرده، ایمان مخدوش شده. [اینجا] یکی از مواردیه که برای تست خوبه. وقتی که جیبمون پره، اون موقع ها دلمون قرصه، دلمون آرامه. وقتی هم که این جیب، خالی میشه و از توش یه مقدار خورده خاک بیرون میاد، اون موقع هم باید دقیقاً همون حالتی رو داشته باشید که وقتی جیبمون پره داریم. ولا یههتک رزق غد.

آموزه سوم: بی خیال هم نباش!

آموزه سومیه که در معارف دینی به ما توصیه کردند، اینه که: ضمن اینکه هیچ نگرانی برای تأمین معیشت ندارید، در عین حال بی خیال هم نباشید. نگران نباشید، بی خیال هم نباشید. [در واقع] یک نوع اقدامی برای تأمین معیشت باید از ناحیه ما سر بزنه. یعنی به نوعی خودمون رو باید در معرض قرار بدیم. خدای متعال روزی رو از طریق اسباب ظاهری می رسونه. این که یکجا بنشینیم و شروع کنیم به دعا و مناجات و گریه و توسل و اشک و آه و ناله که خدایا روزی ما رو برسون! و بعد منتظر باشیم که درهای آسمان باز شود و مائده آسمانی پیش روی ما قرار بگیرد، این اتفاق نمی افته. این اتفاق انگشت شمار رخ داده؛ یک بار برای

حضرت مریم که «کَلِّمًا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا»^۷، و یک بار هم برای حضرت فاطمه زهرا اتفاق افتاده. اینها استثنائی و خلاف اصل بوده. قاعده خدای متعال بر این نیست که این اتفاق های اینجوری بیفته.

ما باید خودمون رو در معرض روزی قرار بدیم، اون وقت خدای متعال روزی ما رو می دهد، از طریق اسباب.

البته خیلی وقت ها هم من حیث لایحتسب می دهد. خدای متعال برای اینکه وابسته به کانال خاصی نشویم و مستقیماً با خودش ارتباط برقرار کنیم، روزی ما رو من حیث لایحتسب می دهد، که این شیوه، آثار تربیتی ارزشمندی داره. اگه همیشه روزی از یه جای خاص برسه، مثلاً همیشه شهریه یا همیشه حقوق کارمندی یا ... از یه جای خاصی که روزی برسه، آدم یادش میره که این روزی رو خدا داره میده. گاهی وقتا خدا از یک کانال هایی که اصلاً انسان گمان نمی کند، روزی را می دهد که من و شما بفهمیم کار دست اوست.

بنابراین از یک طرف ادا غصه و غم و نگرانی نباید داشته باشیم، از یک طرف هم بی خیال نباید باشیم. خب این جمعش چی میشه؟ جمعش رو به صورت صریح توی روایات ما مطرح کردند؛ فرمودند قانون طلب روزی، عبارت است از «إجمال فی الطلب». فرمودند: «فأجملوا فی الطلب»، اجمالاً دنبال روزی برید، یعنی خودتون رو در معرض روزی قرار بدید، اما خودکشی نکنید. خودتون رو در معرض قرار بدید که اگه بناست برسه، یه بهانه ای باشه. یعنی تمام تلاش خودتون رو برای تأمین روزی به کار نگیرید. اجمالاً طلب بکنید، فأجملوا فی الطلب.

بعضی ها فأجملوا فی الطلب رو جور دیگه ای معنا می کنند. ولی این تعبیری که من عرض کردم، در بعضی روایات تصریح شده. یعنی روایات مفسر داریم که فأجملوا فی الطلب رو این جور تفسیر می کنند. مثلاً امام حسن علیه السلام در روایتی فرمودند: «لاتجاهد الطلب جهاد الغالب و لا تتكل على القدر اتكال المستسلم»، فرمودند نه یک طلب مجاهدانه با تمام توان داشته باش، مثل اون کسانی که می خوان بر همه چیز مسلط باشند و چیزی از دستشون در نره، و نه اینکه خودت رو به دست قضا و قدر بسپار، مثل اون کسی

که تسلیم قضا و قدر شده که ببینه چی اتفاق می افته. نه اون جورى، نه این جورى. «فإنَّ ابتغاءَ الفضلِ من السنَّةِ و الإجمالِ فى الطلبِ من العفَّةِ»، این که به دنبال روزی باشی، این دستور شرعی است، من السنة. از اون طرف هم اجمال فى الطلب، یعنی اینکه آدم اجمالا طلب بکنه، خودکشی نکنه، اینم نوعی از عفت و خویشتن داریه.

باید خویشتن داری کنیم، گاهی وقت ها زمینه های تأمین رزق فراوانی برای ما فراهم میشه. یعنی راهش رو پیدا می کنیم که از این طریق می تونیم به آلف و الوف برسیم. اون جا ها باید خیلی مراقب باشیم، که خویشتن داری بکنیم، خودکشی نکنیم. این طوری نشه که چرب و شیرین روزی مادی در ذهن ما اون قدر بزرگ بشه که از سایر وظائف بزنیم. مثلاً رسیدگی به خانواده کمتر بشود به خاطر اینکه ما می خوایم یه راهکاری پیدا کردیم برای اینکه درآمد بیشتری داشته باشیم، یا مثلاً از زمان عبادت روزمره خودمون یه مقداری بکاهیم، به خاطر اینکه یه فرصت خاصی پیدا شده... این اتفاق نیفته. بعد فرمودند: «ولیسْتَ العفَّةُ بدافعةً رزقاً و لا الحرصُ بجالبٍ فضلاً فإنَّ الرزقَ مقسومٌ»^۸، نه خویشتن داری باعث می شود که روزی از کف شما برود و نه اگر حرص بورزی، موجب می شود که روزی اضافه ای به شما برسد. اونى که برات تعیین شده، همون به دستت می رسه، خودکشی هم کنی همون به دستت می رسه، خویشتن داری هم بکنی، همون به دستت می رسه، خودت رو در معرض روزی قرار بده، خیالت هم راحت باشه، اونى که برات مقدره به دستت خواهد رسید.

مشابه این، از امام صادق علیه السلام هم نقل شده. حضرت فرمودند: «لیکن طلبک المعیشة فوق کسب المضیع دون طلب الحریص الراضی من الدنیا المطمئن إليها»^۹، در مسیر طلب معیشت یه طوری عمل بکنید که از آدم های مضیع تنبل بالاتر باشید و از آدم های حریص راضی به دنیا و مطمئن به دنیا هم پایین تر باشید.

مطمئن به دنیا کسیه که آرامشش با اسکناس حاصل میشه، وقتی جیبش پر باشه، آرامه، وقتی هم که جیبش خالی بشه، آرام نیست. این آدم حرص می زنه برای اینکه همیشه جیب خودش رو پر از پول نگه داره.

^۸ میزان الحکمة (ط - دارالحدیث)؛ ج ۵؛ باب الرزق؛ حدیث ۷۱۵۰

^۹ میزان الحکمة (ط - دارالحدیث)؛ ج ۵؛ باب الرزق؛ حدیث ۷۱۵۱

شما باید تلاشتون برای تأمین معیشت، زیر حد این آدم های حریصی مطمئن به دنیا باشه و فوق انسان مضیع. مضیع کسی است که فرصت ها رو ضایع می کند، تنبلی می ورزد.

این روایت ادامه داره. ادامه اش رو در باب رزق از کتاب میزان الحکمة، ملاحظه بفرمایید. اصلاً مطالعه کل باب، خیلی مفیده، خیلی روایات قشنگی داره.

آموزه چهارم: روزی طالب علم، بیش از دیگران، تضمین شده است.

نکته دیگه ای که هست، اینه که روزی طلبه بیش از دیگران تضمین شده است. اگر برای نوع مردم، خدای متعال روزی را ضمانت کرده است و وعده کرده است که برساند، برای طالبان علم، یک عنایت ویژه ای و یک توجه خاصی مصروف داشته است. افصح الشعراء، سعدی شیرازی در اوائل گلستان میگوید: «ای کریمی که از خزانه غیب/ گبر و ترسا وظیفه خور داری/ دوستان را کجا کنی محروم؟/ تو که با دشمن این نظر داری»، وقتی که خدای متعال، دشمنان رو وظیفه خور خودش دانسته، جیره خور خودش دانسته و تأمین معیشت اون ها رو بر عهده گرفته، دوستان را کجا کند محروم؟ اون کسانی که تصمیم گرفتند در مسیر برترین بندگان خدا قدم بردارند و وارثان انبیاء الهی باشند و برترین مسئولیتی رو که بر دوش بهترین انسان ها قرار گرفته، داوطلب شده اند که بر دوش بگیرند، اونها رو خدا چه طور می تونه محروم نگه داره و ازشون غفلت کنه؟!

ظاهراً روایتی در «منیة المرید» با این مضمون آمده است که: «خدای متعال روزی طالبان علم رو متکفل شده است»^{۱۰}. اگرچه این روایت در جای دیگری نیامده، اما به حسب اینکه کتاب منیة المرید از مصادر مهم روایی ما محسوب میشه، می تونیم بهش نظر داشته باشیم.

هرچند که اگر روایتی هم در این باره نداشتیم، باز هم می توانستیم به روشنی ادعا کنیم که خدای متعال عنایت ویژه ای در حق طالبان علم دارد و نه تنها از زندگی طلبه ها غفلت نکرده، بلکه بیش از دیگران به آن ها عنایت داره.

^{۱۰} أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ تَكَفَّلَ لِطَالِبِ الْعِلْمِ بِرِزْقِهِ خَاصَّةً عَمَّا ضَمِنَهُ لِغَيْرِهِ (منیة المرید)

آموزه پنجم: امتحان اجباری خدا

آموزه دیگری که در مقام کسب روزی و تأمین معیشت باید متوجهش باشیم، این است که خدای متعال همه ما را در معرض آزمایش قرار میدهد. «بلاء» یا «ابتلاء» یکی از قوانین و سنن الهی است که خداوند تقریباً برایش قسم خورده. «لنبلونکم»، هم لام تأکید داره، هم نون تأکید داره، نون تأکیدش هم ثقیله است، یه چیزی شبیه قسم حضرت عباس می مونه! که به حضرت عباس قسم، شما رو می آزمایشیم و شما دچار بلا می شوید. شما در زندگی دنیا آزمایش می شوید، «لیبوکم اَیکم أحسن عملاً»^{۱۱}، تا معلوم بشه کی بهتر عمل می کنه.

این قاعده خداست و من و شما کسی نیستیم که بتونیم از چنگال ابتلاء الهی فرار کنیم. «و لا یمکن الفرار من حکومتک»^{۱۲}. بخواید یا نخواید گرفتار ابتلائات الهی می شوید.

حالا این ابتلائات انواع و اقسامی داره. «بشیء من الخوف»: ممکنه ناامنی باشه، «و الجوع»: ممکنه مشکلات اقتصادی و معیشتی باشه، «و نقص من الاموال»: اموالتون رو از دست بدید، ماشینت تصادف کنه، پولت گم بشه، «و الانفس»: ممکنه مشکلات مربوط به جان باشه، انسان مریض بشه، بچه اش مریض بشه، «و الثمرات»^{۱۳}: فایل پایان نامه ات پاک بشه، زحمت هایی که کشیدیم بی اثر بشه، اینا انواع و اقسام آزمایش هایی است که برای انسان پدید میاد و ما نمی تونیم از سنت ابتلاء فرار بکنیم.

یکی از نزدیکان ما می گفت: «من ازدواج نمی کنم، به خاطر اینکه آزمایش هایی که برای انسان بعد از ازدواج پدید میاد، خیلی دشواره و من هم نمی تونم اون آزمایش ها و مسئولیت ها رو بر عهده بگیرم!» من بهش گفتم: «تو گمان می کنی که خدای متعال، این طوری رو دست می خوره؟ تو از این آزمایش فرار کردی، خدا دیگه نمیتونه تو رو جور دیگه ای آزمایش بکنه؟!».

^{۱۱} ملک، ۲

^{۱۲} دعای کمیل

^{۱۳} بقره، ۱۵۵

خب از این موقعیت فرار کردی، موقعیت دیگری برات پیش میاد که چه بسا آزمایش سخت تر بشه. دست خدا که خالی نمی شه. آیه ای هست در قرآن که: شما خدا رو نمی تونید عاجز و ناتوان کنید.^{۱۴} خدا کار خودش رو پیش می بره و به هر حال شما رو آزمایش می کنه.

[مسئله دیگه ای که هست اینه که] معلوم نیست آزمایش به فقر، مشکل تر باشد از آزمایش به وسعت و ثروت. واقعا معلوم نیست. در صحیفه سجادیه، امام سجاد علیه السلام در یکی از دعا ها دارند: «**ولا تفتنی بالسعة**»^{۱۵}، خدایا منو با ثروت و وسعت آزمایش نکن.

اولا اینکه ما حق نداریم برای خدا تعیین تکلیف بکنیم که خدایا منو این جور آزمایش نکن، اون جوری آزمایش کن؛ ثانیا چه بسا آزمایش به ثروت، انسان رو بیشتر گرفتار بکنه و دشوار تر باشه و بیرون اومدن ازش سخت تر و سهمگین تر باشه.

شاید لازم باشه که به هر حال طلبه در دوران زندگی خودش، فقر رو چشیده باشه و زندگی دشوار رو تحمل کرده باشه. در محدودیت و مضیقه زندگی کردن، بهره های تربیتی فراوانی داره. تصور بکنید کسی رو که روی پرغو بزرگ شده، ناز پرورده شده و کسی رو که توی مشکل بار اومده؛ کدوم یکی از این ها تربیت یافته تر و رشید تر هستند؟

آموزه ششم: اون قدری که خرج کنی برات می رسه.

آموزه دیگری هست که در حد مستفیض در روایات ما اومده: در کافی، غرر، خصال، امالی و... خیلی ویژه است، خیلی. شاید شنیده باشید، تعبیرش اینه: «**يُنزِلُ اللَّهُ الْمَعُونَةَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْعَبْدِ بِقَدْرِ الْمَثُونَةِ**». این روایت، تبدیل به یک ضرب المثل شده، می گن: «**المعونة بقدر المعونة**». اون قدری که آدم احتیاج داره، بهش میرسه؛ اون قدری که خرج می کنه براش تأمین میشه.

شخصی اومد خدمت آیت الله بروجردی و گفت فلان طلبه از شهریه ای که شما می دید، سیگار تهیه می کنه و می کشه. به حساب خودش می خواست به آقا بگه که شهریه امام زمان رو بی حساب و کتاب در اختیار

^{۱۴} إِنَّ مَا تَوَعَدُونَ لَأَتِي وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ (أنعام، ۱۳۴)

^{۱۵} صحیفه سجادیه، دعای ۲۰

این طلبه هایی که ضایع می کنند پول رو قرار ندین و می خواست یه جوری نون اون بنده خدا رو آجر کنه. آقای بروجردی فرموده بودند عجب! پس خرجش بیشتر از شماسه، باید شهریه بیشتری بهش بدیم! و شهریه اون رو بیشتر کردند.

عرض شود که المعونة بقدر المعونة، اون مقداری که آدم خرج می کنه، اون مقداری که آدم نیاز داره بهش می رسه. اینو شما تجربه کردید. اگه آدم گاهی وقتا گوشه و کنار خرج رو یه جوری جلوش رو بگیره و مثلا خیلی بخواد صرفه جویی بکنه، بعد دیگه درهای روزی هم بسته میشه. اون جاهایی که باید خرج بکنیم، باید خرج بکنیم. البته صرفه جویی کردن و تدبیر معیشت داشتن به جای خودش، درسته؛ ولی جایی که آدم باید خرج بکنه، خرج بکنه دیگه.

مثلا فرض بکنید همین برنامه هیئت هفتگی، یک ضرورت شناخته شده، یک مخارجی هم داره. مخارجش باید انجام بگیره. یا مثلا برای رسیدگی به فرزند، یه مخارجی مورد نیازه. وقتی آدم خرج بکنه، می جوشه. وقتی تو حساب بانکی هی پولتو نگه داری برای مبادا، این از جوشش می افته. [همون طور که گفتم] این مطلب در حد مستفیض تو روایات ما اومده. چه بسا بشه این رو به آیات شریفه قرآن هم استناد داد.

خدای متعال در قرآن کریم می فرماید: «وما انفقتم من شیء فهو یخلفه و هو خیر الرازقین»^{۱۶}. باور دارید این قرآن رو یا نه؟! خیلی خدای خوبی داریم. خیر الرازقین است. اینجا فرموده شما خرج کنید، خدا جایگزین میده، خدا تأمین می کنه. انفاق به معنای خرج کردنه؛ حالا البته یک نوع حقیقت شرعیه پیدا کرده در خرج کردن در راه خدا، یعنی انفاق فی سبیل الله و الا اصل معنای انفاق، خرج کردنه.

در ادامه روایتی که عرض کردم (ینزل الله المعونة علی قدر المعونة)، اومده: «وإنّ الصبر ینزل علی قدر شدّة البلاء»، این قسمتش مربوط به بحث ما همیشه ولی خب خیلی شیرینه. متناسب با درجه بلا، خدای متعال صبر می فرسته. گاهی وقتا ما فکر می کنیم که اون کسانی که در مشکلات آنچنانی هستند، واقعا چطوری زندگی رو به سر میبرند؟ من که اگه تو اون شرایط قرار بگیرم معلوم نیست بتونم. مثلا اون کسانی که تو زندان های کجا شکنجه میشن، واقعا چه سختی و دشواری تحمل می کنند. آدم چطور می تونه اونجا ایمان خودش رو حفظ بکنه و دهان به اعتراف باز نکنه؟ [غافل از اینکه] خدای متعال صبر رو متناسب با

شدت بلا نازل می کند، یعنی انسان این زمینه و ظرفیت رو پیدا می کند به لطف خدای متعال که شرایط سخت رو هم تحمل بکنه.

در روایت دیگری هم آمده: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لِيَرْزُقَ الْعَبْدَ عَلَى قَدْرِ الْمَرْوَةِ»^{۱۷}، به اندازه مردانگی که بنده ها می ورزند، خدای متعال برایشون روزی نازل می کند. یعنی یه جاهایی آدم مردانگی بکنه و خلاصه دست به جیب بشه و یه کارایی بکنه، اینجا باعث می شه که خدای متعال، دریچه های روزی رو برای او باز بکنه.

آموزه هفتم: عوامل معنوی تأمین روزی

[یک مطلب هم توجه به] عوامل معنوی تأمین روزی [است که] در روایات، خیلی زیاد اومده.

از جمله اونها صدقه است. «أَكثَرُوا مِنَ الصَّدَقَةِ تُرْزَقُوا»^{۱۸}، هر وقت که دیدید داره پولتون ته میکشه و جیبتون داره خالی می شه، اون موقع صدقه بدید! بیاید اینا رو تجربه کنیم توی زندگی خودمون. [مطمئن باشید که] جواب می ده.

یا مثلاً قرض دادن. وقتی که روزی تنگ میشه، آدم به یه نفری که پول میخواد، قرض بده. همون باقی مونده ته حساب رو که گذاشته برای روز مبادا، اونو به مردم قرض بده. «مَنْ ذَا الَّذِي يَقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً»^{۱۹}، خداوند چند برابر او را تأمین می کند.

زکات، عامل توسعه در روزی شمرده شده. هم دردی کردن با برادران دینی روزی انسان رو زیاد می کنه، «مَوَاسَاةُ الْأَخِ فِي اللَّهِ تَزِيدُ فِي الرِّزْقِ»^{۲۰}. این از مقوله همون «المعونة بقدر المعونة» است ها. یعنی خرج که بکنی میاد، [حالا یا برای] مراعات برادر ایمانی یا صلّه رحم یا اطعام و از این قبیل. اینا باعث افزایش روزی میشه.

^{۱۷} إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لِيَرْزُقُ الْعَبْدَ عَلَى قَدْرِ الْمَرْوَةِ وَ إِنَّ الْمَعُونَةَ تَنْزِلُ عَلَى قَدْرِ الْمُؤْنَةِ وَ إِنَّ الصَّبْرَ يَنْزِلُ عَلَى قَدْرِ شِدَّةِ الْبَلَاءِ. (من لا يحضره الفقيه؛ ج ۲؛ ص ۲۹۴)

^{۱۸} میزان الحکمة (ط - دارالحديث)؛ ج ۵؛ باب الرزق؛ حديث ۷۱۹۵

^{۱۹} بقره، ۲۴۵

^{۲۰} میزان الحکمة (ط - دارالحديث)؛ ج ۵؛ باب الرزق؛ حديث ۷۱۹۱

«البرّ و الصدقة السرّ، ینفیان الفقر»^{۲۱}: نیکی کردن به دیگران و صدقه پنهانی دادن باعث می شه که فقر از انسان دور بشه. ظاهر داستان اینه که ما داریم اینجا پوله رو میدیم، دستمون تنگ تر میشه، ولی واقع داستان و پشت پرده ماجرا چیزی غیر از این است.

«خوش خلقی» باعث توسعه روزی میشه. این آدم به همه گیر بده، از همه طلب کار باشه، دائماً گلایه مند و شاکی از اوضاع و احوال باشه، اینا باعث میشه روزی انسان تنگ بشه.

«امانت داری کردن»، در روایات اومده که باعث وسعت روزی میشه. توجه به امانت داشته باشیم. گاهی ما طلبه ها کتاب از یه نفر می گیریم، یک سال، دو سال پیش ما می مونه و ما توجه نداریم، اهتمام نداریم به اینکه مال مردمه و باید برش گردونیم. اگر بدهکاری پیدا می کنیم، زود تسویه کنیم، اهتمام داشته باشیم، دغدغه داشته باشیم. متأسفانه ما طلبه ها در این مورد نیاز به تلاش بیشتر داریم، خصوصاً در امانت گرفتن کتاب!

«استغفار» موجب توسعه رزق میشه. «استغفروا ربکم إنه کان غفّاراً یُرسل السماء علیکم مدراراً»^{۲۲}: استغفار بکنید، خدا در های آسمان رو برای شما باز می کنه و رزق شما به صورت ریزان فرو خواهد ریخت.

«نماز شب» عامل توسعه رزق شمرده شده. «تقوا» عامل توسعه رزق دونسته شده. «طهارت دائمی» همین طور. شخصی اومد خدمت پیغمبر اکرم عرضه داشت: «أحبّ أن یوسّع علیّ فی الرزق»، حضرت فرمودند: «دم علی الطهارة»^{۲۳}. دائماً انسان با وضو باشه.

«سحرخیزی»، خصوصاً بیداری بین الطلوعین. در روایت آمده: «ذکر الله بعد طلوع الفجر أبلغ فی طلب الرزق من الضرب فی الأرض»^{۲۴}، این که انسان توی اون فاصله بره دنبال روزی، اون نتیجه اش کمتر از اینه که تو اون فاصله انسان به ذکر خدا مشغول باشه.

^{۲۱} میزان الحکمة (ط - دارالحدیث)؛ ج ۵؛ باب الرزق

^{۲۲} نوح، ۱۱۰ و ۱۱۱

^{۲۳} میزان الحکمة (ط - دارالحدیث)؛ ج ۵؛ باب الرزق؛ حدیث ۷۱۹۴

^{۲۴} بحار الأنوار (ط - بیروت)؛ ج ۵؛ ص ۱۴۷

و بعضی از «توصیه های بهداشتی» در روایات اومده که اینا هم موجب توسعه در روزی هستند. مثل: ناخن گرفتن و زدودن تار عنکبوت از خونه و امثال اینها، توصیه های بهداشتیه که در روایات اومده که اینها باعث توسعه در روزی میشه.

با این آموزه هایی که الان عرض کردم سریع و پشت سر هم، معلوم میشه که نسبت ما با رزق و معیشت و روزی با نسبت انسان غربی با پول و روزی و کسب و کار، بسیار متفاوته. بسیار متفاوت. این از اون جاهاییه که اگر بنا باشه ساختار اجتماعی جامعه ما بر اساس فرهنگ دین بنا بشه، ما باید یه جور دیگری عمل بکنیم و الگوهای غربی، شاخص های خوبی برای توسعه یافتگی ما در زمینه ها نیستند، البته خب یه مقداری باید بیشتر تبیین بشه و تشریح بشه، منتها اجمالا زندگی یک انسان مسلمان با اعتقاد به این آموزه ها متفاوت خواهد شد از زندگی یک انسان غربی. انسان مسلمان ادا دغدغه تأمین معاش ندارد. یعنی دلش نمی تپه. انسان غربی اگر چکش عقب افتاده باشه، همش هی قلبش می زنه. این خیلی فرق می کنه توی زندگی و نحوه برنامه ریزی و آثار روانی و شخصیتی، خیلی متفاوت.

این ها آموزه های اسلامی ماست در باب تأمین معیشت و نگاه به روزی و نسبت ما حضور خدا در تأمین روزی بندگان.

جمع بندی و راهکار عملی

تو قسمت دوم بحث علی القاعده باید بریم سراغ اون اقدامات مختصری که یک طلبه می تونه برای تأمین معیشت خودش داشته باشه. گفتیم که بی خیال هم نباید باشیم.

اگر طلبه ای روزیش به اندازه قناعت هست و آبرومندانه با قناعت می تونه صورت خودش رو سرخ نگه داره، خب نیازی نیست که علاوه بر شهریه، اقدام دیگه ای بکنه. ولی خب مثلاً فرض کنید طلبه خونه ای نداشته باشه و بخواد مثلاً یه اجاره خونه بالایی بده، علی القاعده شهریه دیگه کفایت نمی کنه و باید یه جا خودش رو در معرض روزی قرار بده. یعنی یه اقدام مختصری، یه اجمال فی الطلبی داشته باشه.

اون اجمال فی الطلب، چگونه حاصل می شود؟ راه هایی داره. اینا رو دیگه قاعدتا تو جلسات باید بنشینیم و گفت و گو بکنیم. بلاخره از مقوله کار های طلبگی که اجمالا انسان رو در معرض روزی قرار می دهد، مثل

تدریس کردن، تحقیق کردن، مقاله نوشتن و... خب اینا با طلبگی ما سازگار... مثل خود تبلیغ. انسان به هدف تأمین روزی، تبلیغ نمی ره، ولی خب به هر حال هم وظیفه طلبگی رو انجام میده، هم خودش رو در معرض روزی قرار میده. گاهی وقتا چیزی هم خواهد رسید، گاهی هم هیچ پاکتی در کار نیست. مثل امشب مثلاً!

خب این تحقیق و تبلیغ و تدریس و تالیف و مقاله نوشتن و کارهای طلبگی که اجمالا انسان رو در معرض قرار میده، اینا رو شناسایی بشه و اجمالا انسان به صورتی که به برنامه رسمی و خط مشی کلی طلبگیش لطمه نخوره، از این قبیل فرصت ها هم استفاده بکنه. خدای متعال هم دریچه ها رو باز می کنه و راه ها رو نشون میده. «الذین جاهدوا فینا لنهیدینهم سبلنا»^{۲۵}، یک مجاهدت مختصری اینجا صورت بگیره، هدایت به سبیل اتفاق خواهد افتاد.

دعای پایان جلسه

ان شاء الله خدای متعال روزی مادی ما را وسیع بگرداند، به اندازه کفاف و به اندازه ای که انسان دستش به سوی دیگران دراز نباشه و دغدغه روزی نداشته باشه. بیش تر از اونش صلاح نیست. پیامبر اکرم هم در روایت اومده که جبرئیل امین خدمت حضرت اومد و عرضه داشت که من مامور هستم که اگر شما بخواهی این بیابان ابطح را، این بیابان نزدیک به مکه را برای شما تبدیل به ثروت بکنم. حضرت فرمودند نه، اگر اختیار به دست من است، من از خدا یک روز نعمت و روزی می خواهم و یک روز گرسنگی را که در آن روزی که خدا نعمت می دهد و مرا سیر می کند در آن روز شکر خدا رو به جا بیارم، در آن روز هم که دستم تنگ می شود، در آن روز هم از خدا طلب بکنم. یعنی این انواع تجلیات بندگی از من بنده سر بزند، هم طلب هم شکر. پیغمبر اکرم این طور درخواست کردند. روزی رو به اندازه کفاف درخواست کردند.

ان شاء الله خدای متعال روزی به اندازه کفاف رو در امور مادی و روزی واسع فراوان رو در امور معنوی نصیب همه ما بکند، به برکت وجود مقدس فاطمه معصومه سلام الله علیها که همه ما ریزه خوار سفره اون حضرت هستیم و اون بی بی ولی نعمت ما هستند.

[خدایا] توفیق بندگی خالصانه، تقوای کامل، توبه حقیقی و اخلاص در عمل به همه ما عنایت فرما.